گفت‌وگو با یک متهم به قتل

پدرم دنبال تصاحب اموالم بود

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ رهگذران با قدم‌های سریع پیاده‌رو را طی می‌کردند که هر چه سریع‌تر به خانه‌هایشان برسند و از گرمای هوا نجات پیدا کنند. آنها در افکار خود غوطه‌ور بودند که ناگهان متوجه صدای درگیری دو مرد در خیابان شدند. همه چیز در یک چشم برهم زدن رقم خورد. مرد جوان تیغ موکت‌بری را از جیبش بیرون آورد و چند ضربه به سمت مرد میانسالی که با او گلاویز شده بود پرتاب کرد. تیغ تیز به بدن مرد اصابت کرد و نقش بر زمین شد. ضارب قبل از آنکه شاهدان ماجرا فرصت پیدا کنند او را دستگیر کنند، از محل متواری شد.

خون زیادی از مرد میانسال می‌رفت و شاهدان بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفتند. مأموران پلیس و امدادگران راهی محل شدند، اما معاینات اولیه حکایت از آن داشت که مرد میانسال جانش را از دست داده است. گزارش این جنایت به بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. خیلی زود اطراف محل درگیری با نوارهای زرد رنگ که روی آنها نوشته شده بود «ورود به صحنه جرم ممنوع» احاطه شد.

تصاویر دوربین‌های مداربسته اطراف محل جنایت مورد بازبینی قرار گرفت و تصویر متهم به دست آمد. زمانی که تصویر مرد جوان به همسر مقتول نشان داده شد، در کمال ناباوری گفت: این پدرام، پسرمان است.

با به دست آمدن هویت متهم، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت راهی خانه پدرام شدند. اما قبل از رسیدن به خانه‌اش، او گریخته بود. در حالی که تحقیقات ادامه داشت، کارآگاهان در بررسی‌ها دریافتند که پدرام از کشور خارج شده است بنابراین بلافاصله مکاتبات با پلیس بین‌الملل آغاز شد و مدتی بعد خبر رسید پدرام از سوی پلیس ترکیه به ایران برگردانده شده است. با این سرنخ، کارآگاهان جنایی، متهم را در فرودگاه دستگیر و به اداره آگاهی منتقل کردند.

پدرم مرا دوست نداشت

مرد جوان در گفت‌وگو با خبرنگار ایران به شرح ماجرای زندگی‌اش پرداخت و همه آنچه که مسیر زندگی‌اش را تغییر داد و او را به قاتل پدرش تبدیل کرد برای ما شرح داد:

از وقتی خودم را شناختم، متوجه شدم پدرم محبتی به من و مادرم ندارد با اینکه تنها فرزند خانواده بودم اما انگار پدرم از من خوشش نمی‌آمد. هر چه بزرگ‌تر می‌شدم، فاصله ما بیشتر می‌شد؛ پدرم فقط به فکر پول درآوردن بود اما من و مادرم سهمی از این پول نداشتیم. خانه‌ای که خریده بودند نصفش به نام مادرم بود اما پدرم به این بهانه که می‌خواهد خانه را بفروشد و با پول آن یک خانه و یک مغازه برای مادرم بخرد، خانه را به نام خودش کرد تا مثلاً کارهای فروش آن را انجام دهد اما وقتی خانه به نامش

شد نه آن را فروخت نه خانه و مغازه دیگری خرید. فقط آن نصف خانه را از دست مادرم درآورد. از همان دوران کودکی و نوجوانی متوجه فریبکاری‌های پدرم شده بودم به همین خاطر سعی کردم روی پای خودم بایستم و پولدار شوم.

شغلت چه بود؟

اوایل هر کاری از دستم برمی‌آمد، انجا می‌دادم که پولی به دست بیاورم اما کم کم به یک دلال حرفه‌ای تبدیل شدم. طلا، سکه، زمین، هر چیزی که می‌شد، می‌خریدم و وقتی گران می‌شد، می‌فروختم. با همین شیوه کلی پول به دست آوردم و برای خودم خانه و ماشین خریدم. وقتی رفتار پدرم با من بدتر شد از خانه او رفتم و تنها زندگی کردم. البته به مادرم هم می‌رسیدم و از دور مراقبش بودم. تا اینکه فهمیدم پدرم وصیت کرده بعد از مرگش تمام اموالش وقف شود و هیچ سهمی برای مادرم و من نگذاشته بود. از این کارش خیلی ناراحت شدم نه برای خودم بلکه برای مادرم که این همه سال با او زندگی کرده بود و هیچ سهمی نداشت.

یعنی به خاطر این موضوع او را کشتی؟

نه اصلاً قصد کشتن او نبود. از دستش ناراحت و عصبانی بودم و بارها به او تذکر دادم که رفتارش را با من و مادرم درست کند اما توجهی نمی‌کرد. وقتی اختلافمان زیاد شد مرا تهدید به مرگ کرد. یک بار گفت رفتم تحقیق کردم و فهمیدم اگر تو را بکشم فقط چند ماه به زندان می‌روم و بعد آزاد می‌شوم. تازه آن موقع می‌توانم مال و اموال تو را هم تصاحب کنم. پدرم فردی سلطه‌گر بود و می‌خواست همه زیردست او باشند. نمی‌توانست ببیند که کسی وضع مالی خوبی دارد و به قولی سرش به تنش می‌ارزد و به خاطر همین با من مشکل داشت. باورش سخت است که پدری به اموال پسرش چشم داشته باشد و بخواهد او را بکشد که اموالش را تصاحب کند. همه این رفتار و گفتار باعث شده بود از او کینه بگیرم.

متأهلی؟

در شرف ازدواج بودم. ۵ سال قبل با دختری آشنا شدم و تصمیم به ازدواج داشتیم که این اتفاق افتاد.

از روز حادثه بگو؟

مدتی بود که خانه‌ام را تعمیر می‌کردم و آن روز برای خرید چند قلم جنس از خانه خارج شدم. در راه برگشت، پدرم را که سوار ماشین در حال تردد بود دیدم. به من گفت بیا سوار شو با هم حرف بزنیم. من مخالفت کردم تا اینکه پیاده شد و می‌خواست به زور مرا سوار ماشین کند. بین حرف‌هایش گفت باید بکشمت تا از دستت خلاص شوم. برای دفاع از خودم، کاتری که برای کارهای بنایی خریده بودم را از جیبم درآوردم و به سمتش پرتاب کردم. فکر نمی‌کردم کشته شود.

بعد از قتل چه کردی؟

فرار کردم؛ از راه زمینی به ترکیه رفتم تا از آنجا به بلغارستان و بعد هم به لندن بروم. ویزای شینگن داشتم اما در مرز ترکیه پاسپورتم را گرفتند و نمی‌دانم چرا اجازه ورود ندادند. در ترکیه اینطوری است که اگر بخواهی به کشوری سفر کنی و قانونی یا غیرقانونی و به هر دلیلی این سفر صورت نگیرد، از کشور دیپورت می‌شوی. من هم دیپورت شدم و وقتی به ایران برگشتم، به اتهام قتل بازداشت شدم.

فکر می‌کنی چرا زندگی‌ات در سن جوانی به اینجا رسید؟

شاید اگر پدرم از کودکی بیشتر به من محبت می‌کرد و رفتار بهتری با من داشت به اینجا نمی‌رسیدم. من فقط می‌خواستم یک زندگی عادی داشته باشم کنار پدر و مادرم اما نشد. من از نظر مالی روی پای خودم بودم فقط توجه و محبت می‌خواستم. من بارها به خارج از کشور سفر کردم حتی می‌توانستم همانجا زندگی کنم اما به خاطر خانواده‌ام برگشتم. با اینکه پدرم چنین رفتاری داشت اما او را دوست داشتم و دلم نمی‌خواست چنین اتفاقی برایش رقم بخورد. این را هم بگویم تمام ماجرا در ۳۰ ثانیه طول کشید و اگر من این ۳۰ ثانیه خودم را کنترل کرده بودم، هرگز به یک قاتل تبدیل نمی‌شدم و پدرم را نمی‌کشتم. من تک فرزند خانواده هستم. پدرم هم تک فرزند بود. پدر و مادرش هم فوت کرده‌اند. الان من مانده‌ام با پرونده‌ای که اولیای دم ندارد و نمی‌دانم چه سرنوشتی در انتظارم است. فقط من مانده‌ام با یک دنیا عذاب وجدان.

هشدار پلیس

معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ هشدار داد

جلب اعتماد با ظاهری فریبنده برای کلاهبرداری

گروه حوادث: مجرمان همیشه چهره‌ای خشن و ظاهری خصمانه ندارند؛ گاهی فردی با ظاهری موجه، بیان خوب و اعتمادبه‌نفس بالا مقابل شما می‌نشیند و در چند دقیقه چنان اعتماد شما را جلب می‌کند که انگار سال‌هاست او را می‌شناسید. این افراد برای اجرای نقشه شومشان، نه از دیوار خانه کسی بالا می‌روند نه چاقو به دست گرفته و با تهدید اموال مردم را می‌ربایند. آنها پشت میزشان نشسته و با خیالی راحت و بدون استرس نقشه سرقت‌هایشان را اجرا می‌کنند. این مجرمان خوش ظاهر و بد باطن همان کلاهبردارانی هستند که خیلی دوستانه جیب شما را خالی می‌کنند.

پلیس معتقد است یکی از مهم‌ترین ویژگی کلاهبرداران، توانایی آنها در جلب اعتماد قربانیان است. سرهنگ مسلم میراحمدی، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ در گفت‌وگو با «ایران»، از شگردهای جاعلان و کلاهبرداران از جمله خطر معاملات مجازی، اسناد جعلی، لینک‌های فیشینگ، آگهی‌های وسوسه‌انگیز و شرکت‌های هرمی می‌گوید.

از نظر شما کلاهبرداران و جاعلان چه تفاوتی با سایر مجرمان دارند؟

زمانی که صحبت از مجرم به میان می‌آید، اولین چیزی که به ذهن مردم خطور می‌کند این است که با شخصی خشن رو به رو هستند؛ اما این مسأله درباره متهمان جعل و کلاهبرداری صدق نمی‌کند. اتفاقاً ما با افرادی روبه‌رو هستیم که ظاهر فریبنده‌ای دارند و از همین طریق اعتماد مردم را جلب می‌کنند. علاوه بر این تفاوت ظاهری، تفاوت عمده دیگری نیز وجود دارد و آن این است که متهمان جعل و کلاهبرداری اغلب افراد باهوشی هستند و از همان هوش سرشاری که دارند، برای کلاهبرداری‌هایشان استفاده می‌کنند. یادم هست زمانی که در اداره جعل خدمت می‌کردم، پرونده‌ای درباره جعل چک‌های رمزدار بین‌بانکی به ما ارجاع شد. باندی مدت‌ها بود که این کار را انجام می‌داد و متأسفانه تا زمانی که پرونده به دست من برسد، هیچ‌کدام از متهمان شناسایی نشده بودند.

به صورت ویژه روی پرونده وقت گذاشتم و در نهایت متهم اصلی و سرکرده باند دستگیر شد. زمانی که با او صحبت می‌کردم، به من گفت برای نخستین بار که کنکور داده، با رتبه ممتاز در یک رشته خوب در بهترین دانشگاه ایران پذیرفته شده بود. بعد از حدود یک سال انصراف داده و این بار در رشته پزشکی قبول شده است. یعنی این فرد طی دو سال، در دو رشته مهم که هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشتند، پذیرش گرفته بود.

اما از رشته پزشکی هم خوشش نیامده بود و وارد کار جعل شده و کم کم به یک جاعل حرفه‌ای تبدیل شده بود، جاعلی که حتی کسانی که برایش کار می‌کردند هم هویت واقعی او را نمی‌دانستند.

برای اینکه در دام کلاهبرداران گرفتار نشویم، چه باید کرد؟

ما سه قانون طلایی داریم که با رعایت این سه قانون، احتمال گرفتار شدن در دام کلاهبرداران بسیار کم می‌شود. اول اینکه به همین راحتی اعتماد نکنیم. قانون دوم، تا زمانی که مطمئن نشده‌ایم، پول را پرداخت نکنیم و سندی را امضا نکنیم. و سوم اینکه فریب تبلیغات وسوسه‌انگیز را نخوریم. اگر این سه اصل را رعایت کنیم، مطمئن باشید آمار پرونده‌های کلاهبرداری خیلی کم می‌شود.

از شیوه‌های کلاهبرداری در فضای مجازی بگویید؟

بسیاری از کلاهبرداران به نام سایت‌های معتبر و حتی داخل همین سایت‌ها اقدام به کلاهبرداری می‌کنند. برای مثال، فردی یک آگهی جعلی برای فروش خودروی پژو ۲۰۷ منتشر می‌کند و قیمت خودرو را حدود ۲۰۰ میلیون تومان پایین‌تر از قیمت واقعی اعلام می‌کند. فرد با دیدن این آگهی وسوسه می‌شود و تماس می‌گیرد. صاحب آگهی از او می‌خواهد مبلغی را به عنوان بیعانه پرداخت کند و فرد نیز بدون اینکه کالا را دیده باشد یا اصلاً بداند چه کسی پشت این آگهی است، پول را واریز می‌کند. تصور کنید این فرد در یک روز از چند نفر بیعانه بگیرد؛ همین مبالغ در مجموع رقم زیادی می‌شود.

یکی دیگر از کلاهبرداری‌ها فیش‌های جعلی پرداخت پول است که با رسیدساز درست می‌شود. اینجا همان قانون دوم که گفتم حکمفرماست؛ تا زمانی که مطمئن نشده‌ایم پول به حسابمان واریز شده، کالا را تحویل ندهیم.

درباره پیامک‌های جعلی و لینک‌هایی که برای مردم ارسال می‌شود چه هشداری دارید؟

هرگز روی لینک‌های مشکوک کلیک نکنید؛ خودتان به سایت اصلی مراجعه کنید. به عنوان مثال، ممکن است پیامکی حاوی لینکی با عنوان عدل ایران برای شما ارسال شود. به جای اینکه روی لینک کلیک کنید، خودتان به سایت عدل ایران بروید و موضوع را بررسی کنید. بدین صورت از منبع رسمی و سایت مورد تأیید وارد می‌شویم و از کلاهبرداری جلوگیری می‌کنیم.

در رابطه با تماس‌ها برای درخواست رمز دوم، نیز توضیح می‌دهید؟

اگر کسی زنگ زد و خودش را از طرف هر مرجعی معرفی کرد و از شما رمز دوم خواست، به هیچ عنوان رمز را در اختیارش قرار ندهید. هیچ بانکی و هیچ ارگانی تماس نمی‌گیرد تا رمز شخصی شما را بخواهد.

برای تشخیص سند اصلی از سند جعلی باید چه‌کار کرد؟

هر سندی یک‌سری فاکتورهای امنیتی دارد. اسناد اصلی هولوگرام یا واتر مارک دارند اما اسناد جعلی ندارند. اما مهم‌تر از همه این است که از مرجع صادرکننده سند استعلام بگیریم. فرض کنید شخصی با وکالت‌نامه آمده تا قراردادی را ثبت کند. بالای برگه وکالت‌نامه شماره دفترخانه قید شده است. با مراجعه به دفترخانه می‌توانیم از صحت و سقم وکالت‌نامه مطلع شویم.

در مجموع، مردم نباید فقط به ظاهر افراد و گفته‌های طرف مقابل اعتماد کنند.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۲۴**

جدول عادی

افقی

۱- از روی عشق و مهرآمیز- آسم
۲- از مرکبات معجزه‌آسا- سنگ معدنی- شاعر روزگار سامانیان
۳- نام مردانه- علاقه‌مند- حکومت آلمان نازی
۴- غربال- شیر دریایی- زبانه آتش- سرمشق
۵- پوستین- کارگاه هنری- دارنده
۶- دارای رطوبت و تری- از راست به چپ- خمیده
۷- جناح چپ- هِلی‌کوپتِر- سده
۸- برای معطر کردن شیرینی و بستنی به کار می‌رود- نهنگ- سریر
۹- گوالیدن- مهارت اجرایی- فال می‌گیرد
۱۰- مروارید- اسکلت خودرو- برجسته، سرآمد
۱۱- جوانه دانه‌های غلات که طی یک روند مشخص خشک شده‌اند- ارث بردن- اشاره به دور
۱۲- اولین قوم ایرانی- از نام‌های خانم‌ها- عدد کارمندی!- محفظه دردار طبقه‌ای
۱۳- جناح لشکر- پسر مازندرانی- تأخیر در کاری
۱۴- عامل ریز بیماری‌زا- شهر استان مرکزی- سبکی از موسیقی
۱۵- اصیل و نجیب- یکی از اجزاء آجیل در سفره نوروز زمان‌های کهن

عمودی

۱- بازیگر سریال «سرخدار» (۱۴۰۵)- نزدیک‌بین
۲- محدوده‌ای شامل چند شهر- افسانه‌سرا- بزرگ‌ترین قاره
۳- از مناطق ییلاقی تهران- محصول شرکت تاتاموتورز هند- اسناد
۴- مجموعه نیروهای نظامی و انتظامی و سپاه- جمله دستوری- مخفف شاد- ننر
۵- عزیمت کردن- آکنده و پُر- راز
۶- منقار مرغان- از قطعات خودرو- فرمان
۷- سگ پاچه‌گیر- بی‌ریایی و سادگی- تلف، زایل
۸- زاری- چهارچشمی مواظب گل است!- واحد پول «بنگلادش»
۹- قله کوه- چاشنی ترش- رود روسی
۱۰- بدعهد و غیرمخلص- به‌هم سوده شدن- ضد «هیچ»
۱۱- گدایی- دانه‌ای خوراکی- نان خرد کرده در آبگوشت
۱۲- عظیم‌الجثه- اصفهان سابق- چند وارث- یکی از اقوام
۱۳- بداقبالی- رنگ شور و انرژی- مخفف کوتاه
۱۴- از دست رفته- گاه همراه «بوق» می‌آید- خواست‌ها، گرایش‌ها
۱۵- کشوری جزیره‌ای در اقیانوس هند- یکی از جاذبه‌های دیدنی اردبیل که در جنوب نمین واقع شده

جدول ویژه

افقی

۱- از سازهای بادی- منطقه مفرح همدان
۲- بنفش ملایم- خویش‌انداز- کارکنان
۳- در یک جبهه می‌جنگند- عنوانی احترام‌آمیز برای زنان- این یا آن؟
۴- عقاید- صوت درد- بازیگر «جومونگ»- لایه محافظ زمین
۵- چوب خوشبو- دودل- دوقلو
۶- خوش‌اخلاق- روستایی در ۷۵ کیلومتری غرب تهران- گیاهی طبی
۷- ندا دهنده- گیاهی ضد سرطان- کلمه تصدیق
۸- پیگیری- منطقه‌ای باستانی در ۳۱ کیلومتری شرق مِشگین‌شهر در کنار رود قره‌سو- تمام کردن
۹- پرنده‌ای با پرواز سریع- قرصی آرام‌بخش- روا
۱۰- تیر پیکان‌دار- رود «عراق»- زحمت و گرفتاری
۱۱- قشنگ و خوشگل- شهر «هند»- ستون بدن
۱۲- از خود گذشتن- خودپسندی- شادمان شدن- جوانمرد
۱۳- پارسای دیرنشین- محفظه لوله‌ای خمیردندان- سعی و فعالیت
۱۴- بیرون راندن- بیهوده- پدر عرب
۱۵- اثر تاریخی «ایتالیا»- این هم اثر تاریخی قزوین

عمودی

۱- شاخه‌ای از علوم طبیعی- لباس رسمی
۲- شهر استان فارس- رسوم- درون
۳- دربندان- فقیر- زیبارو
۴- خرد- گلی معطر- رازقی- صدای بم
۵- عزا- عالم بی‌خیال!- زبانی در برنامه‌نویسی
۶- پوز- آوای خفته- کلاه محافظ
۷- مزه شکست- فیلم برزو نیک‌نژاد- خانم محترم
۸- گندیده- مخفف من را- آشکار یا معلوم شدن
۹- روستایی در علی‌آباد استان گلستان- چشم به کسی یا چیزی دوختن و مراقب آن بودن- پیشوند ضد
۱۰- پراکنده و پخش شده- زنگوله- موی پیچیده
۱۱- همراهی عرب- خط کش سه‌گوش- زمخت
۱۲- ضربه مشت از بغل در بوکس- شهر «هلند»- جستجو کردن- سوغات کرمانشاه
۱۳- تا زمانی که- احصائیه- گلی بهاری
۱۴- بدگو- به‌علت- توطئه
۱۵- وسیله خنک نگهدارنده- کاشف نوترون

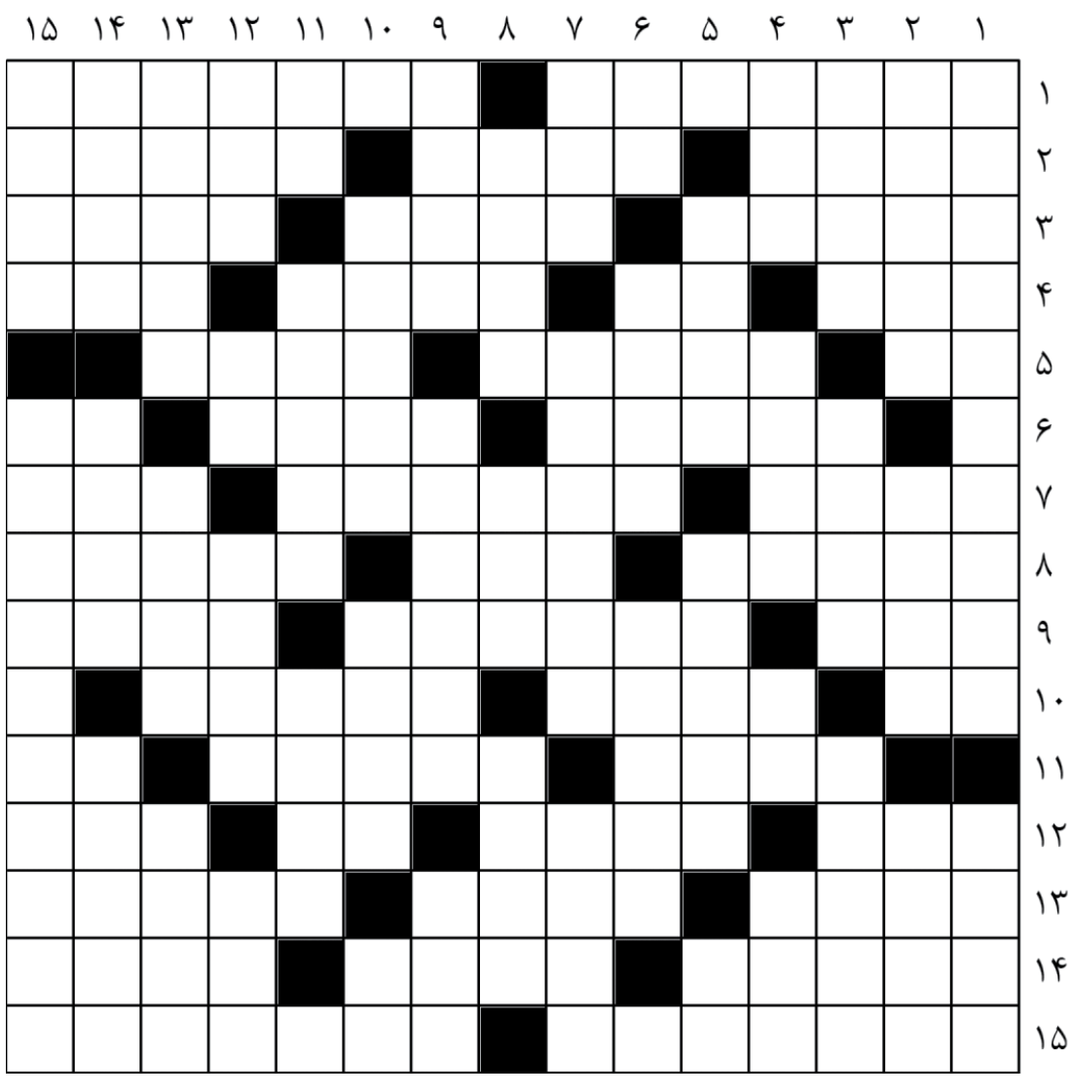

حل جدول عادی شماره ۹۱۲۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ک	و	چ	ه	■	خ	ا	ت	م	ا	ل	ش	غ	ر	ا
۲	ا	ی	ا	م	■	ب	ر	ی	ل	■	م	ص	ل	و	ب
۳	ر	و	ب	ن	د	■	ا	ر	ا	م	■	ت	و	ن	ل
۴	ا	■	ک	ا	ی	ت	■	چ	ک	ا	ب	■	ف	د	ا
۵	گ	م	■	م	ل	ا	ق	ه	■	چ	ذ	ب	ه	■	غ
۶	ا	م	ن	■	م	س	ن	■	م	ر	ی	ی	■	ا	ی
۷	ه	ا	د	م	■	ف	د	ا	ک	ا	ز	■	س	ر	ه
۸	■	ش	غ	ل	■	د	و	ا	■	ش	ه	ر	ت	■	ن
۹	ک	ا	ف	■	م	د	ا	خ	ل	ه	■	ی	م	ی	ن
۱۰	د	ت	■	م	ی	ا	ن	■	م	ی	م	■	ا	س	ا
۱۱	و	■	خ	ر	د	ل	■	ت	ه	ا	چ	م	■	ت	م
۱۲	ت	ت	و	■	ن	ا	خ	ن	■	ت	ر	ن	م	■	ب
۱۳	ن	ه	ا	ن	■	ن	ر	ا	ق	■	م	س	ت	ق	ر
۱۴	ب	ی	ن	ا	م	■	ج	س	و	ر	■	و	ر	ی	د
۱۵	ل	چ	ا	م	گ	س	ی	خ	ت	ه	■	ب	و	ف	ه

حل جدول ویژه شماره ۹۱۲۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ش	ی	ل	ه	■	ا	ی	ن	د	ه	ن	م	ا	ی	ی
۲	ب	خ	ا	ر	■	ا	ش	ا	ل	■	ت	ا	ی	گ	ا
۳	ا	ه	م	ی	ت	■	ن	ی	چ	ر	■	ت	ک	ا	ن
۴	ن	■	ا	م	ر	ا	■	ق	و	ا	ن	■	ا	ن	گ
۵	ه	س	■	ن	ا	ط	ق	ه	■	ی	و	ا	ش	■	ت
۶	ه	ی	چ	■	ب	ب	ر	■	ب	ا	ز	ر	■	گ	س
۷	ا	ش	ی	ل	■	ا	ق	ب	ا	ن	■	و	ن	ش	ه
۸	■	ا	ل	ک	ی	■	ا	و	ل	■	ز	ک	ا	م	■
۹	ش	ر	ر	■	ا	ل	و	م	ی	ن	■	ش	ن	ا	س
۱۰	ا	ب	■	م	ق	ت	ل	■	ن	ا	ک	■	س	ه	ا
۱۱	ه	■	و	ل	و	■	و	س	ی	س	ت	م	■	ا	ز
۱۲	د	ر	ل	■	ت	ن	گ	ی	■	ی	ا	ر	و	■	و
۱۳	ش	ی	ا	ر	■	ی	و	ا	ن	■	ن	ا	خ	د	ا
۱۴	ه	ز	ی	م	ت	■	ا	م	و	ز	■	ت	ی	ز	ر
۱۵	ر	ش	ت	ه	و	خ	ش	ک	ا	ر	■	ع	م	د	ه